

Journal iranian political sociology

Vol. 4, No. 3, winter2022

<https://dx.doi.org/10.30510/psi.2022.240081.1197>

**Meta-analysis of political capital literature in Iran
(Period of the decade 1390s)**

Abstract

Political capital is a valuable resource that its function is vital for the good governance process, and its ultimate goal is the fulfillment of democracy for citizens and legitimacy for the political system. Concerning the importance of this phenomenon and the production of considerable amount of studies about it in Iran during the current decade, studying the literature seems necessary. Therefore, this article aims at the systematic study of the status of political capital literature in Iran, using meta-analysis method, concerning the research question; What is the status of the political capital literature and its level in Iran according to the findings? The results indicate that, given the semantic overlaps of the political capital with social capital; the frequency of studies conducted, has been high and expanding and amounts to 1000 studies. The approach of most studies was institutional and, theoretically, is conceptualized mostly under the social capital theory. Also, the level of political capital in various dimensions and levels of society, from citizens and civil society to state and government (especially concerning the variables of trust, participation and political networks), has been weak and downward.

Among the effective factors are poor performance, inability to meet the demands of the people and lack of proper response to the feedback of executive policies in the various areas of domestic and foreign policy by the government.

Keywords: political capital, meta-analysis, political trust, political participation, political networks.

<https://dx.doi.org/10.30510/psi.2022.240081.1197>

فرا تحلیل ادبیات سرمایه سیاسی در ایران (بازه زمانی دهه‌ی ۱۳۹۰)

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۴/۲۹

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۰۸/۰۷

مجید جودکی^۱

علی کریمی مله^۲

محمدتقی قزلسفلی^۳

چکیده

سرمایه سیاسی منبع ارزشمندی است که کارکردش برای فرآیند حکمرانی مطلوب در جامعه حیاتی و غایت آن برای شهروندان تحقق مردم‌سالاری و برای نظام سیاسی مشروعیت می‌باشد. با توجه به اهمیت این مفهوم و تولید حجم مناسبی از مطالعات درباره آن در کشور در دهه‌ی ۱۳۹۰، بررسی ادبیات این حوزه، ضروری است. بنابراین هدف این مقاله؛ مطالعه‌ی نظاممند وضعیت ادبیات پژوهشی سرمایه سیاسی در ایران، با کاربست روش فراتحلیل است. در همین راستا پرسش پژوهش عبارت است از؛ وضعیت ادبیات سرمایه سیاسی و به تبع یافته‌های حاصل از آن، سطح سرمایه سیاسی در ایران چگونه است؟ برآیند یافته‌ها، حاکی است که با عنایت به هم‌پوشانی‌های معنایی مفهوم سرمایه سیاسی با مفهوم سرمایه اجتماعی؛ فراوانی پژوهش‌های داخلی در این حوزه به خصوص در دهه‌ی اخیر بالا، روبه گسترش و بالغ بر هزار مطالعه است. رویکرد اغلب مطالعات نهادی بوده و به لحاظ نظری اغلب ذیل نظریه سرمایه اجتماعی، مفهوم-پردازی شده است. همچنین وضعیت سرمایه سیاسی در ابعاد و سطوح مختلف جامعه، از شهروندان و جامعه‌ی مدنی گرفته تا دولت و حکومت (به ویژه در متغیرهای عمده اعتماد، مشارکت و شبکه‌های سیاسی)، ضعیف و روند آن نزولی بوده است. از جمله عوامل مؤثر در این وضعیت عملکرد ضعیف، ناتوانی در تأمین خواسته‌های مردم و عدم واکنش مناسب در قبال بازخورد سیاست‌های اجرائی در حوزه‌های گوناگون سیاست داخلی و خارجی کشور، از سوی دولت می‌باشد.

کلیدواژه‌ها: اعتماد سیاسی، سرمایه سیاسی، شبکه‌های سیاسی، مشارکت سیاسی.

^۱ کارشناس ارشد دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه مازندران، ایران

^۲ استاد دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه مازندران، ایران

^۳ دانشیار دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه مازندران، ایران

نهادینگی حکمرانی مطلوب در جامعه مستلزم برقراری مردم سالاری در جامعه است و نهادینه شدن مردم سالاری نیز خود نیازمند وجود حد نصابی از "سرمایه سیاسی"^۴ در سطوح مختلف جامعه است. این سرمایه بازتاب تمامی آن چیزی است که یک دموکراسی واقعی می‌بایست نماد و نماینده آن باشد. بنابراین سرمایه سیاسی به مثابه روح دموکراسی، شهروندان را در کانون توجه خود قرار داده و در پی احیای حداکثر حقوق و متقابلاً تحریک حس مسئولیت‌پذیری و مشارکت مدنی فعال آنهاست تا در نهایت حیات اجتماعی و به‌خصوص سیاسی‌شان را به طور بهینه، سامان بخشد.

اما به لحاظ علمی، اصطلاح سرمایه سیاسی مفهوم نسبتاً جدیدی است و سابقه‌ی مطالعات آکادمیک مستقل آن، چندان دیرپا نیست. اولین مطالعه‌ی منسجم در این حوزه به پیر بوردیو^۵ (۱۹۸۱) و اولین پژوهش رسمی ثبت شده به مطالعه‌ی بوت و ریچارد^۶ (۱۹۹۷) بازمی‌گردد (Magno, 2000: 77). بوردیو (۱۹۸۱) سرمایه سیاسی را شکلی از سرمایه نمادین و نوعی قدرت سیاسی مشروع توصیف می‌کند. نوعی اعتبار که بر مبنای اعتقاد، اعتماد، باور، شناخت و عملکرد پایه ریزی شده است و از طریق آن، افراد به یک شخص قدرت زیادی اعطا می‌کنند (Bourdieu, 1981: 92). بوردیو (۱۹۸۳) و اغلب صاحب نظران سرمایه اجتماعی، به صورت تلویحی سرمایه سیاسی را در ذیل مفهوم سرمایه اجتماعی (بعد کلان یا نهادین این سرمایه) و در حکم یک ویژگی اجتماعی سودمند از گروه‌ها، معرفی نموده‌اند.

به طور کلی از دهه‌ی ۱۹۹۰م. به بعد روند مطالعات در این حوزه شکلی جدی به خود گرفت تا جایی که در سال ۱۳۹۱ خورشیدی اولین مطالعه تخصصی در مورد سرمایه سیاسی در ایران منتشر شد. البته گفتنی است ابعادی از این مفهوم، پیشتر در ذیل مفاهیم هم‌پوشانی همچون سرمایه اجتماعی، فرهنگ سیاسی، مردم‌سالاری و حکمرانی خوب، مورد مطالعه واقع شده است. لذا بیشتر مؤلفه‌های تشکیل دهنده‌ی سرمایه سیاسی مثل اعتماد، مشارکت و هنجار سیاسی برای اندیشه و رزان علوم اجتماعی و سیاسی کاملاً آشنا بوده و سابقاً در این مؤلفه‌ها مطالعات پرشماری انجام شده است. با توجه به این ملاحظات می‌توان گفت که در دهه‌ی اخیر، میزان قابل قبولی از تحقیقات مستقیم و غیر مستقیم در حوزه سرمایه سیاسی در کشور نگاشته شده است. لذا ضرورت بازنگری دوره‌ای به منظور شناخت و رفع کاستی‌های این ادبیات، توسعه‌ی نظری ادبیات داخلی، یافتن دلایل و عوامل مؤثر بر سطح این سرمایه، ترسیم تصویری نسبتاً شفاف از وضعیت و روند سرمایه سیاسی در سطوح مختلف جامعه، طبقه بندی یافته‌ها و راه کارهای ارائه شده به منظور بهبود سطح این سرمایه در کشور و در نهایت کاربردی کردن این یافته‌ها و راه کارها در قالب اسناد بالادستی، برنامه‌های توسعه و سیاست گذاری‌ها به منظور حل مسائل کشور، قویاً احساس می‌شود. با توجه به این مهم، هدف از مقاله‌ی حاضر مطالعه‌ی نظام‌مند و فراتحلیل ادبیات داخلی سرمایه سیاسی، در طی دهه‌ی ۱۳۹۰ خورشیدی می‌باشد. در همین راستا مسئله‌ی پژوهش عبارت است از؛ وضعیت ادبیات سرمایه سیاسی و به تبع یافته‌های حاصل از این ادبیات، سطح سرمایه سیاسی در ایران چگونه است؟ از جمله مهمترین مسائل فرعی در این مطالعه نیز می‌توان به بررسی عوامل مؤثر بر وضعیت سرمایه سیاسی، روند تحول این سرمایه در طی سال‌های اخیر و در نهایت ارائه راه کارهای ارتقای سطح آن در

کشور، بر مبنای ترکیب و برآیند یافته‌های حاصل از ادبیات پژوهشی، اشاره کرد. فرضیه تحقیق در این گزاره بدین صورت قابل تقریر است که ادبیات سرمایه سیاسی در ایران به نسبت متنوع و غنی بوده و معمولاً ذیل مفهوم سرمایه اجتماعی و یا صرفاً محدود به برخی مؤلفه‌های زیرمجموعه‌ی آن مانند اعتماد و مشارکت سیاسی، مطالعه شده است. به علاوه این پژوهش‌ها وضعیت، ابعاد و مؤلفه‌های مختلف سرمایه سیاسی در ایران را به طور کلی ضعیف و نزولی برآورد می‌کنند.

پیشینه‌ی پژوهش

جدای از پیشینه‌ی مطالعات خارجی که در ضمن قسمت مبانی نظری این تحقیق به آنها اشاره می‌شود. از جمله نخستین تحقیقات داخلی حوزه سرمایه سیاسی به عبادی (۱۳۹۱) با عنوان «شناسایی عوامل اثرگذار بر سرمایه سیاسی» تعلق دارد. وی در این مطالعه با استفاده از فن مصاحبه و روش تحلیل مضمون، ضمن در نظر گرفتن دو بعد اصلی شهروندان و دولت و پنج متغیر اعتماد، دانش، مشارکت، هنجارها و شبکه‌های سیاسی برای مفهوم سرمایه سیاسی، نتیجه می‌گیرد که بهبود سرمایه سیاسی و در نتیجه تحقق مردم‌سالاری و افزایش توان تاثیرگذاری شهروندان بر نظام سیاسی، تنها منوط به مشارکت حداکثری نیست، بلکه نیازمند شناسایی و تقویت عوامل اثرگذار بر سرمایه سیاسی، شامل عوامل اصلی نگرش سیاسی، جامعه‌پذیری دموکراتیک، کارآمدی سیاسی، خودمحموری، احزاب و شبکه‌های سیاسی، آزادی‌های اجتماعی و فاصله قدرت می‌باشد. به‌علاوه هرچند بهبود سرمایه سیاسی به اقدامات زیربنایی دولت مشروط است اما تاثیر گسترش رسانه‌های آزاد، احزاب و شبکه‌های سیاسی و سرمایه‌گذاری بر روی شهروندان نیز لازم و تعیین کننده است. از دیگر مطالعات، می‌توان به یافته‌های پیمایش‌های ملی از جمله دو موج پیمایش ملی «سرمایه اجتماعی در کشور» با نظارت غلام‌رضا غفاری و تحت حمایت دفتر طرح‌های ملی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، به ترتیب در سال‌های ۱۳۸۳ و ۱۳۹۳، اشاره کرد. مهمترین یافته در خصوص برخی عناصر سرمایه سیاسی، کاهش میزان اعتماد سیاسی در هر سه سطح نظام، نهادها و مقامات سیاسی در سال ۱۳۹۳ به نسبت سال ۱۳۸۳ است. به طوری که یافته‌های موج اول پیمایش در سال ۱۳۸۳ حاکی از اعتماد بالای مردم به نظام سیاسی، اعتماد متوسط به نهادها و اعتماد پایین به مقامات سیاسی بوده که این یافته‌ها در موج دوم پیمایش در سال ۱۳۹۳ از تنزل در هر سه سطح، حکایت می‌کند.

در ارتباط با پیشینه‌ی مطالعه فراتحلیل سرمایه سیاسی، تاکنون در این خصوص مطالعه‌ای در کشور صورت نپذیرفته است. با این حال از جمله پژوهش‌های فراتحلیل حوزه‌های هم‌پوشان با سرمایه سیاسی، می‌توان به سه مطالعه فراتحلیل سرمایه اجتماعی ناطق‌پور (۱۳۸۵)، سیاهپوش (۱۳۸۷) و پاک‌سرشت (۱۳۹۴) و دو مطالعه فراتحلیل جدیدتر نادری (۱۳۹۶) در مقاله «فراتحلیل مشارکت سیاسی دانشجویان ایرانی: مطالعه اثربخشی عوامل تبیین‌کننده، عینی، ذهنی، انگیزشی - ذهنی، فرهنگی - اجتماعی و نهادی» و مرادی، کواکبیان و فلاح‌پیشه (۱۳۹۶) در مقاله «فراتحلیل مطالعات اعتماد سیاسی در ایران پس از انقلاب اسلامی» اشاره کرد. نادری در مقاله اش با مطالعه مشارکت سیاسی دانشجویان ایرانی به شیوه فراتحلیل دریافت که میزان مشارکت سیاسی دانشجویان نسبت به کل جامعه بیشتر است، هر چند بیشتر دانشجویان در سطوح پایینی از مشارکت سیاسی در حد شرکت در انتخابات و پیگیری اخبار سیاسی فعال اند. مشارکت فعالانه دانشجویان مانند عضویت و فعالیت در انجمن‌های اجتماعی و سیاسی مختلف نیز در سطح پایین‌تری قرار دارد.

عوامل ذهنی، انگیزشی، عینی، فرهنگی - اجتماعی و نهادی مختلف از قبیل پایگاه اجتماعی - خانوادگی، جنسیت، اعتماد به نهادهای سیاسی، میزان آموزش، سطح تعلقات دینی، خانواده، عضویت در گروه‌های دانشجویی و رسانه‌های جمعی، بویژه رسانه‌های دیجیتال، در ضعف مشارکت فعالانه دانشجویان دخیل‌اند. نویسندگان در مقاله فراتحلیل دوم، باتوجه به نقش محوری اعتماد سیاسی در موفقیت ساختار سیاسی و ارتقاء سرمایه اجتماعی و با هدف ارائه مدلی فراگیر برای سنجش آن، اقدام به فراتحلیل مطالعات اعتماد سیاسی در ایران نمودند. نتایج حاصل نمایان‌گر کثرت تبیین‌ها، سلطه رویکرد نهادی و اعتماد سیاسی متوسط شهروندان، در مطالعات مختلف اعتماد سیاسی در ایران است. همچنین عوامل موثر بر اعتماد سیاسی در سه سطح خرد، میانی و کلان به ترتیب عبارتند از: ادراک و دینداری افراد، رسانه‌های جمعی و اعتماد عمومی و در سطح کلان عوامل اقتصادی و عملکرد دولت است.

با توجه به اینکه موضوع سرمایه سیاسی در ایران اغلب به صورت غیرمستقیم و در ذیل دیگر مفاهیم مانند سرمایه اجتماعی مطالعه شده و در همین ارتباط فراوانی بیش از یک‌هزار مطالعه طی یک دهه اخیر (به جدول شماره ۲ رجوع شود)؛ در مجموع تعداد مطالعات سرمایه سیاسی در ایران بسیار زیاد ارزیابی شده و از آنجاکه تا به حال مطالعه‌ی فراتحلیل داخلی در این موضوع صورت نگرفته است، مقطع زمانی حاضر به منظور اجرای نخستین پژوهش فراتحلیل سرمایه سیاسی در کشور، مناسب ارزیابی می‌شود.

مباحث مفهومی و نظری

در حالی که نخستین کاربرد واژه سرمایه سیاسی در سال ۱۸۴۲م. در ایالات متحده آمریکا ثبت شده، روند فزاینده جهانی استفاده از این واژه در طی قرن بیستم میلادی در خلال دیگر مفاهیم دارای قرابت معنایی (همچون مفهوم سرمایه اجتماعی) و بصورت غیرمستقیم تاکنون ادامه یافته است (Nayeden, 2011: 23-24) که خود گواه اهمیت این مفهوم مغفول مانده است. اما اولین پژوهش رسمی که مستقیماً به این اصطلاح پرداخته است به پژوهش بوت و ریچارد در سال ۱۹۹۷م. بازمی‌گردد (Magno, 2000: 77). آنان با بیان اینکه نقش سیاسی شهروندان، مستلزم آن است که عمل‌گرایی مشارکتی سازمان‌یافته، نگرش‌ها و رفتارهایی را ترویج کنند که بر نظام‌های سیاسی تأثیر بگذارند، سرمایه سیاسی را به طور کلی مجموع نگرش‌ها نسبت به برقراری ارتباط با دولت و فعالیت‌های سیاسی، تعریف کردند (Booth and Richard, 1998: 782).

کتاب «زبان و قدرت نمادین»^۷ پیر بوردیو (۱۹۹۱) اصلی‌ترین مرجع تئوری‌ها در ارتباط با مفهوم سرمایه و سرمایه سیاسی را به خود اختصاص داده است. نخستین اشاره مستقیم و منسجم بوردیو به این مفهوم به مقاله «نمایندگی سیاسی: عناصر یک نظریه در حوزه سیاسی»^۸ به سال ۱۹۸۱ باز می‌گردد. بوردیو سرمایه سیاسی را شکلی از سرمایه نمادین^۹ و نوعی قدرت سیاسی مشروع معرفی می‌کند. نوعی اعتبار که بر مبنای اعتقاد، اعتماد، باور، شناخت و عملکرد پایه ریزی شده است و از آن طریق، افراد به یک شخص قدرت زیادی اعطا می‌کنند (Bourdieu, 1991: 192)

Bourdieu, 1981: 92); شایان گفتن است که در بسیاری از آثار بوردیو (۱۹۸۳) همانند دیگر اصحاب سرمایه اجتماعی^{۱۱} مثل جیمز کلنن (۱۹۸۸) و رابرت پاتنام^{۱۱} (۱۹۹۳)، سرمایه سیاسی تلویحاً ذیل سرمایه‌ی اجتماعی و به صورت ویژگی خاص گروه‌ها و به صورت تأثیرگذاری حاصل از مشارکت گروهی شهروندان بر نهادها، صاحب‌منصبان دولتی و سیاست‌ها، برداشت می‌شود (تاجبخش، ۱۳۸۵: ۱۳۲-۱۳۳). این سنخ تعریف از سرمایه سیاسی می‌تواند ناشی از ماهیت کلی و بستر ظهور و بروز اجتماعی دیگر انواع سرمایه باشد. با این حال معدودی از آثار نیز، اولین مطالعه‌ی منسجم مفهوم سرمایه سیاسی را به ادوارد سی بانفیلد^{۱۲} (۱۹۶۱) و کتاب وی با عنوان «تأثیر سیاسی»^{۱۳} نسبت می‌دهند. بانفیلد در این کتاب سرمایه سیاسی را در حکم یک تئوری سیاسی و به عنوان «سهامی تأثیرگذار»^{۱۴} توصیف کرد که می‌تواند ساخته، مبادله و خرید و فروش شود. از این زاویه سرمایه سیاسی قابل استفاده برای انواع مبادله بین سیاستمداران یا بین سیاستمداران و رای دهندگان است. بنفیلد معتقد است که سرمایه سیاسی مانند پول باید ذخیره و صرفه جویی شود یا اینکه یک سیاستمدار قبل از طولانی شدن دوره تصدی‌اش از سمت خود کناره‌گیری کند تا این سرمایه حفظ شود (Kjaer, 2013: 253).

شووگرونسکی (۲۰۰۰) سرمایه سیاسی را نوعی استعاره از قدرت می‌داند که در نظریه سیاسی مورد استفاده قرار می‌گیرد تا مفهوم انباشت منابع و قدرت را در قالب یک مجموعه با عناصر ارتباط، اعتماد، حسن نیت و نفوذ بین سیاستمداران یا احزاب و سایر ذینفعان تعریف کند. سرمایه سیاسی می‌تواند به عنوان نوعی ارز و اعتبار مورد استفاده برای بسیج رای دهندگان، دستیابی به اصلاحات سیاسی و یا دستیابی به اهداف سیاسی دیگر در نظر گرفته شود. به عبارتی استفاده از واژه سرمایه در اصطلاح سرمایه سیاسی؛ اغلب در معنای نوعی اعتبار یا مجموعه منابعی منتهی به قدرت سیاسی است که می‌توان آنها را قابل بانکداری، ذخیره، پس انداز، مصرف، اتلاف و یا قابل گم شدن توصیف کرد (Schugurensky, 2000: 4-8). فلورا^{۱۵} (۲۰۰۰) سرمایه سیاسی را «توانایی گروه برای نفوذ و اثرگذاری در توزیع منابع برای واحدهای اجتماعی، شامل کمک کردن و برنامه ریزی برای منابع در اختیار و دست یافتنی» تعریف می‌کند. از این نظر می‌توان ابعاد سرمایه سیاسی را سازمان، ارتباطات، صدای رسا و قدرت دانست (رهبر و حیدری، ۱۳۹۰: ۲۳۰).

پاتنام (۱۹۹۳) با مطالعه مقایسه‌ای حکومت‌ها، فرآیندها و سنت‌های سیاسی و میزان توسعه مناطق شمالی و مرکزی به نسبت مناطق جنوبی ایتالیا؛ در نهایت میزان سرمایه اجتماعی را عامل تفاوت در نیل به توسعه سیاسی و دموکراسی در نظام‌های مختلف سیاسی می‌شناسد. همچنین پاتنام در آثار خود بر عنصر اعتماد تأکید زیادی دارد. از نظر او اعتماد و ارتباطات متقابل در شبکه‌های اجتماعی منابعی هستند که در درون کنش‌های متقابل همگرای اعضاء جامعه نهفته است. در ادامه کنش‌های متقابل نیز می‌تواند به نوبه‌ی خود با جلب اعتماد میان مردم، دولت‌مردان و نخبگان سیاسی، موجب توسعه سیاسی شود. (پاتنام، ۱۳۸۰: ۳۹). در آثار پاتنام تفاوت مهم مفهومی سرمایه اجتماعی و سرمایه سیاسی از این

نکته نشات می‌گیرد که وی سرمایه اجتماعی را اعتماد، شبکه‌ها و هنجارهایی می‌داند که تسهیل‌کننده همکاری با یکدیگر برای حصول به اهداف مشترک است (Birner & Wittner, 2000: 3). اما سرمایه سیاسی را در حکم کنش‌های سیاسی می‌داند که به صورت آگاهانه بر فرآیند تصمیم‌گیری سیاسی و بطور کلی نظام سیاسی تاثیر می‌گذارد (Booth & Richard, 1997, 781). به نظر وی در نهایت این اختلافات مفهومی در نقطه پیامدها پایان می‌یابد، چرا که پیامد سرمایه اجتماعی اعتماد و پیامد سرمایه سیاسی مشروعیت است (Harvey & Novicevic 2004). همچنین برخی از پژوهشگران سرمایه سیاسی را فقط معادل یکی از مولفه‌های آن، مانند اعتماد سیاسی (Newton, 2001: 205) و یا مانند لی^{۱۶} (۲۰۰۵) این مفهوم را صرفاً معادل محبوبیت و قدرت ناشی از جایگاه سیاسی یک شخص قرار داده‌اند. بررسی‌های موشکافانه‌تر نشان می‌دهد که مفهوم سرمایه سیاسی فراتر از همه-ی این مفاهیم است (پیران‌نژاد و عبادی، ۱۳۹۱: ۴).

و اما در ارتباط با مختصات (انواع، ابعاد، مولفه‌ها و سطوح مختلف تحلیل) سرمایه سیاسی لازم به ذکر است که سرمایه سیاسی نیز همانند سرمایه اجتماعی بر دو نوع ابزاری (کنشگری) و ساختاری است. سرمایه سیاسی ابزاری همان منابعی است که کنشگران از آنها به منظور تاثیر بر فرآیند سیاست‌گذاری‌ها برای تحقق اهداف خود استفاده می‌کنند. به طور متقابل با توجه به رابطه دیالکتیک موجود، کلیت ساختار نظام سیاسی (شامل دولت، حکومت، نهادها، سازمان‌ها و مقام‌های سیاسی)، دست‌یابی به سرمایه سیاسی ابزاری توسط کنشگران را تحت تاثیر قرار می‌دهد. این تاثیر ساختاری معادل وجه ساختاری سرمایه سیاسی است. بدیهی است که میزان سرمایه سیاسی ابزاری که کنشگران در اختیار دارند با ماهیت نظام سیاسی، بستگی مستقیم خواهد داشت (Birner & Wittner, 2000: 6). بسیاری از صاحب‌نظران مانند پاتنام (۱۹۹۳)، کلمن (۱۹۹۸)، پاکستون (۲۰۰۲) و برن (۲۰۰۹)، دو بعد ذهنی و عینی دارای رابطه دیالکتیک متقابل، برای سرمایه اجتماعی قائل هستند. هر بعد نیز در عین حال متشکل از مؤلفه‌های خاصی از این سرمایه است. برای اولین بار آپهوف (۲۰۰۰) و پس از او آرت و باستلائر (۲۰۰۲) اقدام به مطالعه مجزای هر یک از این ابعاد دوگانه نمودند. با توجه به قرابت‌های معنایی موجود، می‌توان برای سرمایه‌ی سیاسی نیز این دو بعد ذهنی و عینی را در نظر گرفت.

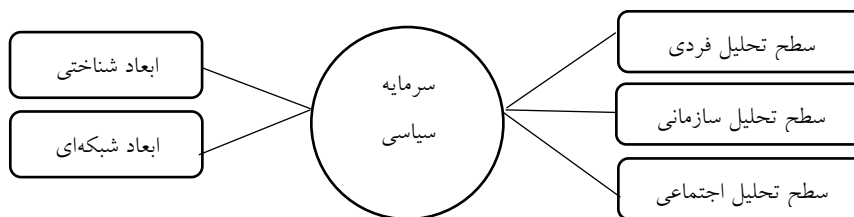
۱- ابعاد ذهنی (شناختی)^{۱۷} سرمایه سیاسی: به هنجارها، ارزش‌ها، اعتماد، امید، آگاهی‌ها، دانش و مهارت سیاسی اشاره دارد. این مفهوم از سرمایه سیاسی بسیار ذهنی و ناملموس است. عناصر شناختی به نمودها و نشانه‌های نگرشی مربوط می‌شود و اعتماد به سایر اعضای اجتماع محلی نمونه‌ای از آن است (Uphof, 2000: 219).

۲- ابعاد عینی (ساختاری یا شبکه‌ای)^{۱۸} سرمایه سیاسی: بیرونی و عینی است و به صورت شبکه‌ای از نقش‌های معین، گروه‌های اجتماعی - سیاسی و دیگر ساختارهای سیاسی که به وسیله قوانین، فرایندها و سوابق پشتیبانی می‌شوند ظهور می‌یابد. این عناصر ساختاری نموده‌های رفتاری سرمایه سیاسی هستند. بنابراین به مشارکت در گروه‌ها، اجتماعات محلی و فعالیت‌های مدنی سیاسی همانند شبکه‌های اجتماعی - سیاسی و نقش‌ها اشاره دارد (Uphof, 2000: 219).

به لحاظ سطح تحلیل نیز سه سطح «فردی، سازمانی و اجتماعی»^{۱۹} برای سرمایه سیاسی متصور است (Blumentritt & Rehbein, 2007: 243). در سطح فردی، سرمایه سیاسی تنها متعلق به مسئولان دولتی است. شامل دو بعد خوشنامی (شهرت به عنوان دارنده مهارت سیاسی برای انجام امور از روی مصلحت) و نمایندگی یا حمایت انتخاب کنندگان یا کسب مشروعیت است (Harvey & Novicevic 2004: 1177). از این زاویه سرمایه سیاسی تصویر مطلوب یک شخص از دید مردم است.

در سطح سازمانی، سرمایه سیاسی توانایی یک سازمان برای تاثیرگذاری و امتیازستانی و مدیریت مناسبات خود با دولت از راه فعالیتهای سیاسی است (Blumentritt & Rehbein, 2007: 244) که مشروط به آگاهی سازمان از سیاستهای عرصه‌ای است که در آن فعالیت کرده و شکل دادن هوشمندانه استراتژیهای لازم برای اثرگذاری بر آن سیاستها است (Shaffer & Hillman, 2000: 176). سرمایه سیاسی در سطح اجتماعی نیز به توان اثرگذاری بر نظام سیاسی اشاره دارد که فقط محدود به سیاستمداران در سطح فردی نیست بلکه کلیت شهروندان و جامعه‌ی مدنی را شامل می‌شود (Schugurensky, 2000: 15-16) که مآلاً به به‌سازی فرآیندهای دموکراتیک می‌انجامد. به عبارتی دیگر، سرمایه سیاسی در سطح اجتماعی همان توان شهروندان برای عمل سیاسی و پیونددهنده آنان به نظام سیاسی است (Sorensen & Torfing, 2003: 610). در این سطح آموزش به عنوان رکن زیربنایی سرمایه سیاسی بر مهارت، هویت سیاسی و نگرش شهروندان نسبت به نهادها و هنجارها و ارزشهای سیاسی، مؤثر ارزیابی می‌شود (Booth & Richard, 2008: 6).

با توجه به مباحث مفهومی مطروحه، مطابق با مدل تحلیل نظری این پژوهش (نمودار شماره ۱)؛ به جهت پوشش بیشتر مفاهیم متنوع حوزه سرمایه سیاسی، ترکیبی از نظریه سرمایه سیاسی بوردیو، پاتنام و بوت و ریچارد، مبنای تحلیل واقع شده است. به لحاظ ابعاد تحلیلی نیز، تمرکز بحث بر الگوگیری از ابعاد دوگانه‌ی ذهنی و عینی (شناختی و ساختاری) سرمایه اجتماعی پاتنام، کلمن، پاکستون، آپهوف، آرت و باستلاثر، می‌باشد. همچنین به لحاظ مؤلفه‌ها و شاخصه‌های سرمایه سیاسی نیز مؤلفه‌های شش‌گانه‌ی (آگاهی و دانش سیاسی، ارزش و هنجار سیاسی، اعتماد سیاسی، مشارکت سیاسی، کنش متقابل نمادین سیاسی و شبکه‌های سیاسی)^{۲۰} مدنظر می‌باشد و سرانجام بررسی مؤلفه‌های مختلف سرمایه سیاسی، در قالب سطوح تحلیل سه‌گانه‌ی فردی، سازمانی و اجتماعی بلمنتریت و رهبین^{۲۱}، مورد توجه قرار خواهد گرفت.



نمودار ۱: مدل تحلیل نظری سرمایه سیاسی.

این مطالعه از نظر هدف کاربردی و به لحاظ شیوهی گردآوری اطلاعات کتابخانه‌ای است. بهره‌گیری از روش فراتحلیل^{۲۲} کیفی به منظور طبقه‌بندی، تجزیه و تحلیل اطلاعات و در نهایت ارائه یافته‌ها و نتایج توصیفی و تبیینی، نقطه بارز روشی مطالعه حاضر است. به زعم گلاس^{۲۳} (۱۹۷۸) و دی کاستر^{۲۴} (۲۰۰۳) هرگاه با حجم بالایی از ادبیات در موضوع علمی خاص مواجه باشیم، بروز پراکندگی و تناقض در یافته‌ها و نتایج، متصور است. در این شرایط یکی از بهترین شیوه‌ها برای بررسی قسمت‌های مختلف مطالعات پیشین و یافته‌ها و نتایج آن، درک یافته‌های صحیح، شناخت و رفع تناقض‌های موجود میان آنها، سنتز یافته‌ها و سرانجام توسعه‌ی نظریه پردازی و به خصوص برای استفاده‌های کاربردی و سیاست‌گذاری‌ها، روش فراتحلیل است (جانسون^{۲۵} و دیگران، ۲۰۰۰: ۱). به رغم برداشت برخی از پژوهشگران، فراتحلیل فقط روشی کمی نیست بلکه قابل توسعه به پارادایم دوم و سوم روش‌شناختی (مطالعات کیفی و تلفیقی) و روش‌های تحلیلی کیفی نیز می‌باشد (ساندلوسکی و بارسو^{۲۶} ۲۰۰۷: ۳۵-۳۶؛ طباطبائی و دادهیر، ۱۳۸۹: ۲۱۳). در مطالعه‌ی حاضر نیز با توجه به تولید حجم گسترده ادبیات در زمینه سرمایه سیاسی طی یک دهه‌ی اخیر در کشور، ضرورت بازبینی، طبقه‌بندی، رفع تناقضات، سنتز یافته‌های حاصل از این پژوهش‌ها، بیش از گذشته احساس می‌شود. از این رو با مبنا قرار دادن دهه‌ی ۱۳۹۰ برای مطالعه‌ی ادبیات سرمایه سیاسی در ایران؛ اعم از منابع مستقیم و غیرمستقیم (حوزه‌های مختلف مفهومی همپوشان)؛ در این فراتحلیل بیشتر تجزیه و تحلیل کیفی یافته‌ها در دستور کار قرار گرفت.

برای نیل به این مهم با توجه به مراحل اجرایی مطالعه فراتحلیل (طباطبائی و دادهیر، ۱۳۸۹: ۲۱۳ - ۲۲۵)، ابتدا گردآوری کلیه‌ی مطالعات در حوزه‌ی مفهومی سرمایه سیاسی در دهه‌ی ۱۳۹۰ خورشیدی در دستور کار قرار گرفت (جامعه‌ی آماری). از جمله ۶ مطالعه اختصاصی سرمایه سیاسی موجود، به علاوه نمونه‌ی ای (شامل ۷۸ مطالعه) از میان مطالعات فراوان مرتبط و تک مولفه‌ای در این حوزه مطالعاتی، به طریقه‌ی رجوع حضوری (دسترسی به پیمایش‌های ملی برخی سازمان‌ها) و برخط (بانک‌های پژوهشی مختلف از جمله پایگاه نورمگز، جهاد دانشگاهی و ایرانداک) فراهم شد. به طور کلی نتیجه این نمونه‌گیری در مجموع ۸۴ مطالعه در انواع خاستگاه‌های مختلف (پیمایش ملی، مقالات طرح ملی، مقالات علمی - پژوهشی، پایان‌نامه‌ها و رساله‌های دانشگاهی) به قرار جدول شماره ۱ مورد مطالعه واقع شد.

جدول ۱: منشاء پژوهش‌های نمونه آماری مطالعه فراتحلیل حاضر.

ردیف	انواع مطالعه	فراوانی	درصد فراوانی
۱	پیمایش ملی	۴	۴/۷
۲	مقاله برآمده از طرح ملی	۱۴	۱۶/۶
۳	مقاله علمی - پژوهشی	۴۵	۵۳/۵
۴	پایان‌نامه ارشد و دکتری	۲۱	۲۵
مجموع	کل مطالعات	۸۴ مطالعه	۱۰۰ درصد

منبع: نویسندگان

شیوه‌ی نمونه‌گیری این پژوهش نیز به صورت نمونه‌گیری چند مرحله‌ای خوشه‌ای بوده است. با توجه به بازه‌ی زمانی (دهه‌ی ۱۳۹۰)؛ در ابتدا اقدام به گردآوری و گزینش هدفمند از میان معدود پیمایش‌ها و مقالات مستخرج از طرح ملی و نیز معدود مطالعات تخصصی مستقیم (۶ مطالعه) در مورد سرمایه سیاسی شد. در مرحله بعد استخراج هدفمند از میان مطالعات عام سرمایه سیاسی بر حسب هر یک از شش متغیر (مؤلفه) اصلی از میان بالغ بر یک‌هزار مطالعه، در دستور کار قرار گرفت. در این مرحله ضمن مرور و بررسی عنوان، چکیده و نتیجه‌گیری مطالعات، اقدام به جداسازی شماری از مطالعات طبق فرم کدگذاری (طراحی شده با لحاظ استانداردهای روایی و پایایی) در قالب خوشه‌های شش‌گانه سرمایه سیاسی گردید. و در نهایت به شیوه تصادفی (البته در رابطه با خوشه‌های دارای تعداد مطالعات پرشمار) از درون هر یک از این خوشه‌ها، اقدام به انتخاب و نمونه‌گیری نهایی مطالعات (۶۰ مقاله، پایان‌نامه و رساله) به تناسب فراوانی تعداد پژوهش‌ها در هر مؤلفه شد. بدین ترتیب ۸۴ پژوهش نمونه مطالعاتی مبنای مطالعه آماده شد. نهایتاً در مرحله تحلیل، ضمن استخراج بخش‌های مختلف این مطالعات به لحاظ سنخ‌شناسی پژوهش، مسائل، نظریه‌ها، روش-های پژوهشی، یافته‌ها و نتایج و راه‌کارها؛ اقدام به پیاده‌سازی روش فراتحلیل (تحلیل، توصیف، تبیین و سنتز بخش‌های مختلف مطالعات) گردید.

یافته‌های فراتحلیل

۱. سنخ‌شناسی ادبیات

۱.۱. سنخ‌شناسی ادبیات سرمایه سیاسی در ایران

در این قسمت برای ترسیم چشم‌انداز وضعیت مطالعات سرمایه سیاسی در ایران، انواع پژوهش‌های عام و خاص صورت‌گرفته در این حوزه به لحاظ منشاء، سطح و رشته تخصصی پژوهشگران، دانشگاه‌های سرآمد، شهرها، اқشار مورد مطالعه و... بررسی شد. قبل از تشریح و سنخ‌شناسی نمونه آماری مطالعات برگزیده؛ به منظور درک کلی از فراوانی جامعه آماری این مطالعات در ایران، مرور جدول شماره ۲ بسیار کمک‌کننده است. آمار این جدول، از راه جستجوی

وب‌پایه در بانک‌های مقالات و پایان‌نامه‌های پایگاه‌های نورمگز، جهاد دانشگاهی و ایراندک و بنا به ماهیت بین رشته‌ای موضوع سرمایه سیاسی، در زمینه‌ی مطالعاتی علوم سیاسی، علوم اجتماعی، مدیریت دولتی و بعلاوه مطالعات میان رشته‌ای؛ فراهم شده است

جدول ۲: فراوانی مقالات و پایان‌نامه‌های سرمایه سیاسی در یک نما (در بازه زمانی دهه‌ی ۱۳۹۰).

سنجه‌ها متغیر اصلی	تعداد مقالا ت علم ی- پژوه شی	تعداد پایان- نامه- های ارشد و دکترا	نشریات با انتشار بیشترین مقاله	دانشگاه‌ها و سازمان‌های با انتشار بیشترین پایان‌نامه	رشته‌های دارای بیشترین مطالعه	پرکارترین مولفین به ترتیب تعداد تالیفات
"سرمایه سیاسی"	۲	۴	۱-مجله فرآیند مدیریت و توسعه ۲-مجله علوم مدیریت ایران	۱-دانشگاه تهران ۲-پژوهشکده امام خمینی و انقلاب اسلامی ۳- مازندران ۴- خوارزمی	۱-علوم سیاسی ۲-مدیریت	۱- نغمه عبادی (۳مورد) ۲- آرین قلی- پور، علی پیران‌نژاد و علی کریمی مله (۲ مورد) ۳- فاطمه مهدی زاده و کیوان بالوایه (۱ مورد)
سرمایه اجتماعی	۱۶۱	۳۱۶	۱-مدیریت شهری ۲-پژوهشهای مدیریت منابع سازمانی ۳-مجله علوم- اجتماعی ۴-مجله علوم سیاسی	۱-آزاد تهران مرکزی و تربیت مدرس ۲-علامه طباطبائی و پیام نور تهران ۳-الزهره	۱- مدیریت ۲- علوم- اجتماعی ۳- علوم سیاسی	۱-مهران رضوایی و محمدتقی طغرایبی، سیدجو اد امام جمعه زاده و محمود شارعپور. ۲-علی ربیع، پروانه دانش وطهمروت‌شیر ی
آگاهی، داز	۲۵	۳۸	۱-پژوهش‌های مدیریت	۱-مجموعه دانشگاه آزاد	۱- مدیریت ۲-ارتباطات	۱-محمدبزدانی محمد دوستار

ش، هوش و مهارت سیاسی			مجله سیاست: ۱۵ م ۲-مجله سیاست متعالیه: ۶ م	۲- تربیت مدرس ۳- علامه طباطبائی ۴-مجموعه دانشگاه پیام نور ۵- دانشگاه تهران	اجتماعی ۳-علوم اجتماعی ۴- علوم سیاسی	۲-محمد فرقانی ۳-یعقوب ممبینی حاتم قادری و عباس منوچهری
هنجار و ارزش سیاسی	۹۸	۱۰۴	۱-پژوهش های انقلاب اسلامی ۲-مجله سیاست ۳-مطالعات انقلاب اسلامی	۱-دانشگاه علامه طباطبائی ۲-دانشگاه تربیت مدرس و باهنر کرمان و آزاد تهران مرکز و تبریز	۱-علوم سیاسی ۲-علوم- اجتماعی ۳-علوم انسانی ۴-اقتصاد ۵- میان رشته- ای	۱-هادی نوری و حسین دهشیار ۲-یعقوب احمدی، وحید قاسمی و رضا واعظی ۳-احمد واعظی ۴-تقی آزاد ارمکی
اعتماد سیاسی	۲۹	۳۷	۱-مجله دانش سیاسی ۲-رهیافت انقلاب اسلامی و پژوهشنامه انقلاب اسلامی ۳-مطالعات اجتماعی ایران ۴- مطالعات ملی و...	۱-آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی ۸پ ۲-دانشگاه- های غیرانتفاعی و سازمانی ۵پ ۳-تربیت مدرس، امام صادق، دستگاه‌های اجرائی و شهید چمران اهواز: ۲پ ۴-علامه طباطبائی ۳پ	۱- علوم اجتماعی ۲-علوم سیاسی ۳-سایر علوم انسانی ۴-مدیریت	۱-محمد خانباشی ۲-راضیه مهرابی کوشکی و شمس السادات زاهدی ۳- امام جمعه زاده و ابوالفضل دلآوری ۴-محمد رضا طالبان و علی ساعی و فرشید خضری
			۱-مجله مطالعات	۱-دانشگاه-	۱-علوم	۱-سیدجواد

مشارکت سیاسی	۱۵۱	۹۹	سیاسی ۲-مطالعات انتخابات ۳-جامعه‌شناسی- کاربردی	تهران ۲-دانشگاه- علامه و یزد ۳-دانشگاه- اصفهان، پژوهشکده امام خمینی و مازندران ۴-دانشگاه آزاد تهران مرکزی ۵-مجموعه دانشگاه پیام نور	اجتماعی ۲-علوم سیاسی ۳-مدیریت	امام جمعه زاده ۲-حسین مسعودنیا و محمودرضا رهبرقاضی و قربانعلی ابراهیمی ۳-محمد ابوالفتحی و محمد عابدی اردکانی و مجتبی مقصودی
گروه‌ها و شبکه‌های سیاسی	۵۹	۴۲	۱-پژوهش‌های ارتباطی ۲-مطالعات رسانه‌ای ۳-جامعه‌شناسی کاربردی و مجله زن در توسعه و سیاست ۴-جامعه‌شناسی سیاسی جهان اسلام	۱- دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی ۲-دانشگاه علامه طباطبائی ۳-دانشگاه شاهد و دانشگاه صدا و سیمای ج.ا.ا.	۱-علوم اجتماعی ۲-علوم سیاسی ۳-میان رشته ای	۱-زهره صادقی نقدعلی ۲-کیومرث اشتریان و محمور رضا قاضی رهبر ۳-رحمان سعیدی، محمدجواد حق شناس، شهرروز شریعتی و سعید سرابی
کنش متقابل نمادین	۴	۳	۱-فصلنامه سیاست و فصلنامه پژوهش‌های ارتباطی و فصلنامه تئاتر	۱- دانشگاه تربیت مدرس، امام صادق، باقر العلوم	۱- علوم اجتماعی ۲- معارف و الهیات ۳- علوم سیاسی	احمد نقیب زاده، مجید استوار، حمید پارسانیا، سیدجواد امام جمعه زاده، نبی ابراهیمی و حسام الدین آشنا

منبع: نویسندگان

از مجموع ۸۴ مطالعه‌ی نمونه آماری؛ تعداد ۴ "پیمایش ملی" شامل پیمایش «سرمایه اجتماعی مردم ایران» موج دوم (۱۳۹۳)، پیمایش «ارزش‌ها و نگرش‌های ایرانیان» موج سوم (۱۳۹۴)، پیمایش «وضعیت اجتماعی، فرهنگی و اخلاقی جامعه ایران» (۱۳۹۵) و پیمایش «هویت جمعی ایرانیان» (۱۳۹۵) مطالعه شد که منشاء دولتی - سازمانی داشته و لذا دارای کارفرمای عمده، حمایت‌های مادی و معنوی فوق‌العاده، طرح و برنامه و سازماندهی کم‌نظیر، سازماندهی تیمی چند ده نفری از اساتید و پژوهشگران صاحب‌نظر و زبده‌ی کشور، جامعه و نمونه مطالعاتی در ابعاد ملی و... بسیاری از امتیازات استثنائی دیگر می‌باشند.

همچنین از مجموع مقالات؛ ۱۴ مقاله جامع برگزیده "طرح ملی" هر یک توسط یک یا چند نفر از اساتید و پژوهشگران حرفه‌ای و بعضاً با همکاری دانشجویان دکتری در عرصه‌های مختلف علوم اجتماعی کشور و تحت دو عنوان «مجموعه مقالات گزارش وضعیت اجتماعی کشور» در سه جلد (۱۳۹۵) و «جستارهایی در سرمایه اجتماعی در ایران کشور» (۱۳۹۵)، با کارفرمایی و نظارت شورای اجتماعی وزارت کشور، تنظیم و اجرا شده است.

از مجموع ۶۶ مطالعه باقیمانده شامل ۴۵ مقاله علمی - پژوهشی و ۲۱ پایان‌نامه و رساله‌ی دانشگاهی؛ جدای از ۶ مطالعه تخصصی اصطلاح سرمایه سیاسی، بقیه ۶۰ مطالعه‌ی دیگر از میان خیل مطالعات عام سرمایه سیاسی و مطابق استاندارد فرم کددهی طراحی شده، گزینش شده‌اند. در ارتباط با کیفیت علمی و پژوهشی مقالات علمی - پژوهشی و پایان‌نامه‌های برگزیده، بایستی اذعان داشت که تدوین تمامی ۴۵ مقاله علمی - پژوهشی باقیمانده نیز با همکاری دانشجویان و اعضای هیئت علمی و یا صرفاً به توسط اعضاء هیئت علمی، و در نهایت تحت داوری مستقل فصلنامه‌های علمی معتبر کشور، انجام شده است. و در نهایت ۲۱ پایان‌نامه‌ی مقاطع ارشد و دکترا نیز تحت نظارت حداقل دو عضو هیئت علمی دانشگاه تدوین شده‌اند.

از لحاظ مکان انجام مطالعات؛ ابتدا پایتخت با فاصله زیاد (بیش از ۵۰ درصد مطالعات) به نسبت سایر شهرها، رده اول کشور و در رده‌های بعدی کلان شهرهای اصفهان، مشهد و شیراز قرار گرفته‌اند. از نظر دانشگاهی مجموعه دانشگاه آزاد اسلامی سراسر کشور در رده اول و پس از آن دانشگاه‌های مادر پایتخت (به ترتیب دانشگاه تربیت مدرس، علامه طباطبائی و تهران) قرار گرفته‌اند. در میان دانشگاه‌های کلان شهرها دانشگاه اصفهان و پس از آن فردوسی مشهد و در میان سایر دانشگاه‌های کشور به ترتیب مجموعه دانشگاه‌های پیام نور، زنجان و مازندران به لحاظ انتشار تعداد مطالعات در حوزه مورد بحث، وضعیت بهتری به نسبت سایر دانشگاه‌های کشور از خود به ثبت رسانده‌اند.

یافته‌های مطالعات از نظر پرداختن به وضعیت سرمایه سیاسی اقشار جامعه (غیر از یافته‌های حاصل از مطالعات پیمایش ملی)، حاکی از این واقعیت است که تنها ۲۵ مطالعه (در حدود ۳۱٪ کل مطالعات) از مجموع ۸۰ مطالعه مقاله یا پایان‌نامه‌ای به طور مشخص به بررسی سرمایه سیاسی اقشار پرداخته است (که از مجموع این مطالعات، ۲۱ مطالعه کمی و ۴ مطالعه کیفی می‌باشد). قریب به اتفاق مطالعات تجربی سرمایه سیاسی نیز توسط پژوهشگران رشته جامعه‌شناسی (حدود ۶۴ درصد کل مطالعات)، اجرا شده است. غیر از مطالعات سطح ملی که کل جمعیت کشور را پیمایش کرده‌اند، بیشتر نمونه‌های آماری مطالعات مورد بررسی (فقط مطالعات پایان‌نامه و مقاله‌ای)، اقشار مختلف جمعیت شهری ساکن

کلان شهرهای کشور، خصوصاً پایتخت را با ۱۳ مطالعه (۳۳/۳ درصد)، بررسی نموده‌اند. بعد از آن شهر اصفهان با ۶ مطالعه (۱۵/۳ درصد) و مشهد با ۴ مطالعه (۱۰/۲ درصد)، قرار گرفته‌اند. سایر مراکز استان‌ها نیز در نمونه‌ی آماری این فراتحلیل هر یک با ۱ مطالعه (۲/۵۶ درصد) یا فاقد مطالعه قشری بوده‌اند. اқشار مورد مطالعه در جامعه آماری نیز به ترتیب عامه شهروندان با ۶ مطالعه (۲۴ درصد)، دانشجویان با ۵ مطالعه (۲۰ درصد) و گروه سنی بزرگسالان با ۴ مطالعه (۱۶ درصد)، زنان و دانش آموزان هر کدام با ۲ مطالعه (۸ درصد)، جوانان با ۱ مطالعه (۴ درصد) و در انتهای لیست روستائیان، کودکان و نوجوانان و نخبگان بدون حتی یک مطالعه تخصصی قرار گرفته‌اند. با تعمیم این یافته‌ها به کلیه مطالعات سرمایه سیاسی در ایران، مشخص است که جبران این نقصان مطالعاتی، توجه ویژه جامعه علمی و پژوهشی را می‌طلبد.

۰۲. بررسی مسئله‌های طرح شده در ادبیات سرمایه سیاسی

با توجه به جداول مرور شده شماره ۱ و ۲، در رابطه با ادبیات عام و غیرمستقیم حوزه سرمایه سیاسی در ایران، به تفکیک هر یک از سطوح تحلیل سه‌گانه، ابعاد دوگانه و مؤلفه‌های مفهومی شش‌گانه؛ می‌توان با قدری مسامحه اذعان داشت که بطورکلی متناسب با فراوانی قابل قبول تعداد مطالعات (وجود بیش از یک‌هزار مطالعه) به ترتیب در هر یک از مؤلفه‌های مشارکت، اعتماد، ارزش و هنجار، شبکه، آگاهی و دانش سیاسی (با چشم‌پوشی از مؤلفه‌ی مغفول مانده "کنش متقابل نمادین سیاسی")، فراوانی مناسبی از انواع مسائل طرح و بررسی شده بنیادی هم‌چون پرسش از چیستی، عناصر، مؤلفه‌ها، متغیرها و شاخصه‌ها، وضعیت، ریشه‌ها و چرایی وضعیت، عوامل موثر، نتایج و پیامدها؛ قابل مشاهده است. همچنین به تبع این سنخ از مسائل، حجم به نسبت مناسبی از مسائل دو تا چند متغیره و همچنین نمونه‌های موردی، مطرح و مطالعه شده است. البته بدیهی است که میان حجم مطالعات و مسائل بررسی شده در کشور در قیاس با حجم، تنوع و فراوانی مطالعات و مسائل بررسی شده در کشورهای پیشرو، همچنان فاصله وجود دارد. اما در ارتباط با مطالعات تخصصی "سرمایه سیاسی"؛ با گذشت حدود یک دهه از آغاز پژوهش داخلی در این حوزه و به رغم رسانه‌ای و عمومی شدن این اصطلاح، حداکثر ۶ مطالعه‌ی تخصصی وجود داشته و در نتیجه تعداد مسائل طرح و بررسی شده تخصصی در این حوزه، بسیار ناچیز می‌باشد. در این نقیصه، تاثیر عواملی هم‌چون عرف مطالعه‌ی این مفهوم ذیل دیگر مفاهیم دارای همپوشانی معنایی، کم توجهی، دیرکرد و عدم آشنایی مکفای جامعه علمی کشور، مشهود است.

۰۳. بررسی چهارچوب‌های نظری در ادبیات سرمایه سیاسی

جدول شماره ۳ بر اساس نظریه‌های مورد استناد در چهارچوب نظری پژوهش‌های (پایان‌نامه، مقاله علمی - پژوهشی و مقاله طرح ملی) مطالعه شده و فراوانی مطرح‌ترین نظریات، در قالب ۱۰ گروه نظری مجزا و زیرنظریه‌های مربوط به آنها، طبقه‌بندی و تنظیم شده است.

جدول ۳: توزیع فراوانی و درصد مهمترین نظریات مطرح شده در مطالعات این فراتحلیل.

ردیف	مبحث نظری	مهمترین نظریه ها و صاحب نظران آنها	فراوانی تکرار نظریه	درصد فراوانی
۱	سرمایه سیاسی	۱- نظریه های سرمایه سیاسی از: بوردیو، پاتنام، نوریس، ماگنو، بوت و ریچارد، نایدن، نیوتن، سورنسن و تورفینگ، شوگرونسکی، گیتهها و ایندریا، هاروی و نوویسیویچ، بلومنتریت و رهبین، و فلور.	۱۶	۷/۱
۲	سرمایه اجتماعی	۱- نظریه های سرمایه اجتماعی از: بوردیو، پاتنام، کلمن، فوکویاما، اینگلههارت، نوریس، گلن لوری، پارسونز، زیمل، دورکیم، بن پرات، ویلیامسون، بیکر، فوکویاما، گیدنز، نان لین، پاکستون، آپهوف، هرسیچ، کویتشر، رابینسون، زتومکا، یونگ، والفورس، تونیس، مت، ویلیامسون، بیکر و...	۷۱	۳۰/۸
۳	سرمایه و کنش متعامل نمادین	۱- کنش متقابل نمادین هربرت مید و بلومر. ۲- مشروعیت و قدرت نمادین بوردیو. ۳- ساخت یابی (برسازی نمادین) گیدنز. ۴- فراواقعیت سازی رسانه های مک لوهان.	۴ ۱۳ ۳ ۲	۹/۷
۴	گروه ها و شبکه های سیاسی	۱- شبکه های اجتماعی و اعتماد سیاسی گیدنز، اینگلههارت و بریتزر. ۲- شبکه های اجتماعی ریچارد رز ۳- رویکرد جامعه شناسی شبکه ای ون دایک. ۴- نظریه سیاست گذاری شبکه ای نان لین. ۵- نظریه جامعه شبکه ای کاستلز. ۶- رویکرد شبکه ای به سرمایه اجتماعی (حفره های ساختاری) رونالد برت.	۱۴ ۱ ۱ ۱ ۲ ۱	۸/۸

		(مفهوم شبکه در ذیل بسیاری از نظریات و آثار متفکرانی مانند بوردیو، پاتنام، کلمن، بارت، اوسلانر، سلیگمان نیز تشریح شده است)		
۱۰/۲	۱۵ ۴ ۳ ۱	۱- نظریات کنش متقابل جامعه شناسان کلاسیک (همچون دورکهایم و توکویل). ۲- سطوح مشارکت سیاسی میلبراث. ۳- کنش ارتباطی هابر ماس. ۴- سیاست دو سویه دیجیتال مشارکت نوریس.	کنش جمعی و مشارکت سیاسی	۵
۵/۳	۲ ۱ ۴ ۱ ۲ ۲	۱- نظریه هویت تاجفل. ۲- هویت اجتماعی براون و همکاران. ۳- آگاهی سیاسی و مشارکت؛ میلبراث، دورکیم، رابرت دال، مایکل راش و... ۴- شکاف آگاهی تیکنور، دونوهور و اولین. ۵- الگوی دوگانه عام گرایی و خاص گرایی پارسونز: هویت عام شهروندی. ۶- جامعه‌پذیری (آگاهی و فرهنگ) آموزش و پرورش آلموند و وربا.	آگاهی، شناخت و مهارت سیاسی	۶
۱/۲	۱ ۱ ۱	۱- همش فریس و همکاران ۲- مدل هوش سیاسی حیوانات دیوید و بانکروف تارنر ۳- اشرف و لکبال	نظریات هوش سیاسی	۷
۵/۷	۷ ۱ ۱ ۲	۱- سه سطح اعتماد سیاسی بریتزر. ۲- اعتماد تعمیم یافته زتومکا. ۳- اعتماد انتزاعی پاکستون. ۴- درستکاری مدنی پیتر هال.	اعتماد و امید سیاسی	۸

	۱	۵- حقانیت و مشروعیت بیت‌هام، اسما رت و فوزی.		
	۱	۶- کارآمدی و مشروعیت گلد.		
۱۱/۵	۶	۱- ارزش و هنجار سیاسی الموند و وربا.	هنجار و ارزش سیاسی	۹
	۴	۲- تضاد ارزش‌های سیاسی (سکولار/دینی) هانتینگتون.		
	۱	۳- دوازده سنجه ارزشی فرهنگ سیاسی اینگلهارت.		
	۱	۴- ارزش‌های مشارکتی اینگلهارت و نوریس.		
	۱۰	۵- هنجارهای سیاسی پیوند آفرین پاتنام.		
	۴	۶- هنجارهای سیاسی انسجام آفرین فوکویاما.		
۳/۱	۲	۱- فضیلت مدنی پاتنام.	سرمایه اجتماعی اثرگذار بر فرهنگ سیاسی	۱۰
	۲	۲- توانمندسازی نهادی شهروندان آلموند و وربا		
	۱	۳- قدرت پیوندهای ضعیف گرانوتر.		
	۱	۴- درستکاری مدنی پیتر هال.		
	۱	۵- شبکه‌های اجتماعی ریچارد رز.		
	۱			
٪۱۰۰	۲۲۵ نظریه	۴۳ زیرگروه نظری	۱۰ گروه نظری	مجموع

منبع: نویسندگان

بررسی‌ها نشان می‌دهد که در بسیاری از مطالعات علی‌رغم معرفی چهارچوب نظری، در تحلیل پدیده‌ها و داده‌ها چندان از چهارچوب نظری تعیین شده استفاده نشده است. در ارتباط با میزان استفاده از نظریات مختلف حوزه سرمایه سیاسی، جدای از تخصیص ۷/۱ درصد از کلیه نظریات به حوزه تخصصی سرمایه سیاسی (که با توجه به تعداد کم مطالعات تخصصی در اصطلاح سرمایه سیاسی توجیه پذیر است)؛ مفهوم سرمایه سیاسی در ایران، بیشتر ذیل نظریات سرمایه اجتماعی و معمولاً در قالب مولفه‌ی اعتماد سیاسی و بیشتر در سطح اجتماع سیاسی و در قالب مفاهیم دموکراتیک، مطالعه شده است. این در حالی است که نظریه سرمایه نمادین و قدرت بوردیو، در قریب به اتفاق مطالعات مغفول مانده است. همچنین از نظریه‌های ناظر به ابعاد فردی سرمایه سیاسی (نظریه هاروی و توویسیک) و نظریاتی که به سطح سازمانی سرمایه سیاسی پرداخته اند، مثل نظریه سرمایه سیاسی شفر و هیلمن (۲۰۰۰)، بسیار کمتر و معمولاً

توسط محققان علوم مدیریت، استفاده شده است. سایر نظریات به دیگر مفاهیم غیرمستقیم و هم‌پوشان با مفهوم سرمایه سیاسی اختصاص داشته که در این میان نظریه سرمایه اجتماعی با ۳۰/۸ درصد (به خصوص نظریات بوردیو و پاتنام) و پس از آن نظریات مشارکت و شبکه‌های سیاسی در مجموع با ۱۹ درصد بیشترین میزان استفاده را به خود اختصاص داده است. تنوع و تعداد نظریات استفاده شده در حوزه‌های هنجار و ارزش سیاسی و متمایزاً نظریه‌های کنش متقابل نمادین به طور متناقض با تعداد انگشت‌شمار این مطالعات، به نسبت بالاست. حال با توجه به گذشت قریب به یک دهه از مطالعات تخصصی سرمایه سیاسی در ایران، انتظار می‌رود ضمن گسترش کمی مطالعات تخصصی، شاهد استفاده بیشتری از نظریات تخصصی این حوزه باشیم.

۴. بررسی روش‌های پژوهش ادبیات سرمایه سیاسی

همانطور که جدول شماره ۴ نشان می‌دهد، از ۲۱ پایان‌نامه و ۴۵ مقاله، ۲۱ مطالعه معادل ۲۶/۲ درصد روش تحقیق را کمی، ۳۷ مطالعه معادل ۴۶/۲ درصد نوع تحقیق را کیفی و ۸ مطالعه معادل ۱۰ درصد روش تحقیق خود را ترکیبی (کمی - کیفی)، اعلام نموده‌اند. همچنین از ۱۴ مطالعه مقاله برآمده از طرح ملی، در ۸ مطالعه روش تحقیق ذکر نشده است. با این وجود می‌توان، همه آنها را از نظر هدف کاربردی و از لحاظ روش تحلیل ۱۲ مطالعه معادل ۱۵ درصد را کیفی و ۲ مطالعه معادل ۲/۵ درصد کل مطالعات را ترکیبی محسوب کرد.

جدول ۴: توزیع فراوانی مطالعات بر مبنای نوع و روش تحلیل.

مقاله‌های برگرفته از طرح ملی		پایان‌نامه و مقاله‌های علمی - پژوهشی		منشأ مطالعه روش مطالعه
درصد فراوانی	فراوانی	درصد فراوانی	فراوانی	
۰	۰	۲۶/۲	۲۱	کمی
۱۵	۱۲	۴۶/۲	۳۷	کیفی
۲/۵	۲	۱۰	۸	کمی - کیفی (ترکیبی)
۱۷/۵	۱۴	۸۲/۵	۶۶	مجموع
در مجموع ۱۲/۵ درصد کل مطالعات ترکیبی، ۶۱/۲ کیفی و ۲۶/۲ مطالعات کمی می‌باشند.				مجموع کل

منبع: نویسندگان

در مجموع ۱۲/۵ درصد کل مطالعات ترکیبی، ۶۱/۲ کیفی و ۲۶/۲ دارای روش پژوهشی کمی بوده اند. در ارزیابی شایان گفتن است که برخی از مطالعات، هدف، نوع مطالعه، روش و رویکرد تحلیل خود را به صراحت و حتی به دلالت در قسمت روش تحقیق اعلام نکرده اند و فراتر از آن در برخی موارد، نوع مطالعه اعلام شده با روش اجرا، تحلیل و محتوای مطالعه تطابق نداشته است.

از نظر رویکردی، رویکرد عمده حاکم بر مطالعات، رویکرد نهادی و سپس رویکرد فرهنگی بوده است. از این میان، ۷ مطالعه معادل ۶/۱۰ درصد، روش تحلیل ثانویه و ۲ مطالعه معادل ۳ درصد روش فراتحلیل را برگزیده و ۵۷ مطالعه باقیمانده روش تحلیل را ذکر نکرده اند، که منطقاً با توجه به شواهد روشی، از نوع تحلیل اولیه و اکتشافی شمرده می‌شوند. از میان ۱۴ مقاله انتخابی طرح ملی نیز ۱۱ مطالعه معادل ۶۴/۷ درصد علاوه بر روش تحلیل اصلی، روش گردآوری داده و تحلیل خود را، روش تحلیل ثانویه و ۵ مطالعه معادل ۲۹/۴ درصد، علاوه بر تحلیل ثانویه روش خود را فراتحلیل نیز ذکر کرده اند. همچنین تنها ۱ مطالعه طرح ملی، روش تحلیل ترکیبی نداشته است. در مجموع ۳۱/۲ درصد مطالعات از روش تحلیل دوم نیز بهره برده اند. لازم به گفتن است که نوع و روش تحلیل اعلام شده در تعدادی از مطالعات، چندان دقیق نیست. به گونه ای که می‌توان گفت، کلیه ۱۴ مطالعه برگرفته از طرح‌های ملی از روش گردآوری داده ثانویه استفاده نموده اند.

از لحاظ جامعه و نمونه آماری در مطالعات کمی - پیمایشی نیز به استثناء ۴ مطالعه پیمایش ملی که دارای گستره‌ی ملی و حجم نمونه چند ده هزار نفری بوده‌اند (از ۱۵ هزار تا ۸۵ هزار نفر)؛ جامعه‌ی آماری سایر مطالعات به افراد یک دانشگاه یا حداکثر یک شهر محدود بوده و نمونه آماری آنها نیز در قریب به اتفاق موارد به طریقه‌ی تصادفی انتخاب شده است. حجم نمونه های انتخابی، از حداقل ۲۹ تا حداکثر ۷۸۳ نفر تعیین شده و در اکثر این مطالعات، حجم نمونه آماری مابین ۳۰۰ تا ۴۰۰ نفر بوده است. مبنای تعیین حجم نمونه نیز یکی از سه استاندارد تعیین حجم نمونه فرمول کوکران، کوهن و جدول مورگان اعلام شده است.

۵. یافته‌ها و نتایج حاصل از ادبیات سرمایه سیاسی

۵.۱. یافته‌های ادبیات تخصصی سرمایه سیاسی

در این قسمت به رغم محدود بودن تعداد مطالعات تخصصی حوزه سرمایه سیاسی، ولی به دلیل اهمیت آن به طور مجزا بر یافته‌ها و نتایج حاصل از آنها تمرکز شده است. همانطور که پیشتر بیان شد، تاکنون (با احتساب دو مقاله برگرفته از پایان‌نامه عبادی (۱۳۹۱))، فقط ۶ مطالعه تخصصی درباره‌ی «سرمایه سیاسی» در ایران منتشر شده است. ضعف در حجم و تعداد مطالعه تخصصی موجود، خود نویدبخش وجود موضوعات نو و متنوع بیشتر برای مطالعه پژوهشگران علاقه‌مند است.

عبادی، پیران‌نژاد و قلی‌پور (۱۳۹۱ الف، ۱۳۹۱ ب و ۱۳۹۳) در پژوهش‌های مشترک خود، با کاربست تکنیک مصاحبه با اساتید و نیز با استفاده از روش کیفی تحلیل تم، ابعاد و مولفه‌های مفهوم سرمایه سیاسی را بررسی کرده است. وی با تمرکز بر سطح تحلیل اجتماع سیاسی، عوامل موثر بر سرمایه سیاسی را بررسی و در نهایت این عوامل را در دو بعد

دولت و ملت و در هفت عامل نگرش سیاسی، فاصله از قدرت، جامعه‌پذیری سیاسی، کارآمدی سیاسی، خودمحوری شهروندان، احزاب و شبکه‌های سیاسی و آزادی‌های اجتماعی شناسائی کرده است. وی همچنین ابعاد سرمایه سیاسی را عبارت از پنج بعد دانش، اعتماد، مشارکت، هنجار و شبکه‌های سیاسی برشمرده است. عبادی در پژوهش دوم با روش پیمایشی، تاثیر اینترنت بر سطح سرمایه سیاسی شهروندان تهرانی را مطالعه کرده و بطورکلی سطح پایین سرمایه سیاسی شهروندان تهرانی در ابعاد مختلف را نتیجه‌گیری نموده است. وی در موضوع تاثیر میزان استفاده از اینترنت بر ابعاد گوناگون سرمایه سیاسی، تاثیر آن بر اعتماد سیاسی را معنادار و منفی برآورد کرد.

میری کمک (۱۳۹۶) در پژوهشی کارکردی، نهادهای خاص نظام سیاسی جمهوری اسلامی ایران شامل سه نهاد رهبری، شورای نگهبان قانون اساسی و مجمع تشخیص مصلحت نظام را (از حیث دانش، توانایی، اعتماد و مشروعیت سیاسی) در حکم سرمایه‌های سیاسی نهادین نظام سیاسی جمهوری اسلامی ایران، با نگرش مثبت بررسی نموده است. یافته‌های وی که حاصل نگاه یک‌جانبه‌گرا و ایدئولوژیک به نظر می‌رسد، فقط بر پایه سطوح فردی و نهادی - سازمانی تکیه کرده و سطح مهم اجتماعی - مردم‌سالار سرمایه سیاسی را از مظان تحلیل دور نگه داشته است.

مهدی زاده (۱۳۹۷) در پایان‌نامه‌ی خود با رویکرد تحلیل ثانویه و از زاویه اعتماد سیاسی عوامل موثر بر سطح سرمایه سیاسی در ایران را، طی دو دهه‌ی ۱۳۸۰ و ۹۰ خورشیدی مطالعه کرده و ضعیف و نزولی بودن سطح سرمایه سیاسی و پایین بودن شاخصه‌های اعتماد سیاسی را متأثر از ناکارآمدی و عدم حکمرانی مطلوب، نهادها و کارگزاران آن؛ عوامل و مشکلات اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی حاکم بر جامعه، و همچنین سیاست‌گذاری‌های نامناسب در کشور، نتیجه گرفته است.

بالوایه (۱۳۹۷) نیز در پژوهش خود با نگاهی فونکسیونالیستی به تاثیرات و بهره‌برداری مثبت از رنج‌ها و وقایع تلخ تاریخی اقوام و ملت‌ها به مثابه سرمایه سیاسی با تاکید بر مقایسه دو اقلیت قومی کرد در خصوص واقعه انفال و اقلیت یهود در مورد واقعه‌ی هولوکاست پرداخته و بهره‌برداری مناسب یهودیان از این واقعه را به برسازای آن در هیئت مناسکی مقدس، مستمر، آگاهی و هویت‌ساز، انسجام بخش و تشکل آفرین و به صورت راهبردی برنامه دار و هدفمند سیاسی به منظور جلب حمایت و بسیج سراسری یهودیان و افکار عمومی جهان و در نتیجه فرصت سازی از تهدید و زیان‌های ناشی از یک واقعه تاریخی تلخ را، در قیاس با عملکرد فاقد راهبرد اجماعی، برنامه، نظم و غیرمنسجم اقلیت قوم کرد در مواجهه با واقعه انفال؛ علت موفقیت یهودیان در تشکیل دولت - ملتی مستقل، مرتبط دانسته است.

۵.۲. برآیند یافته‌های ادبیات عمومی سرمایه سیاسی

به طورکلی برآیند یافته‌های مطالعات سرمایه سیاسی تا تابستان ۱۳۹۹ سطح کلی این سرمایه را در ایران، ضعیف‌تر از حد مطلوب و روند آن را در سال‌ها و بلکه دهه‌ی اخیر نزولی ارزیابی می‌کنند. البته لازم است با توجه به مدل تحلیلی پژوهش؛ به تفاوت‌های میزان این سرمایه در هریک از ابعاد دوگانه و مؤلفه‌های شش‌گانه آن و به تفکیک هریک از سطوح سه‌گانه تحلیل، توجه ویژه شود.

یافته‌های پژوهشی در بعد ساختی - شبکه‌ای سرمایه سیاسی (مولفه‌های مشارکت، کنش جمعی نمادین و همچنین گروه‌ها و شبکه‌های سیاسی) وضعیت نسبتاً ضعیفی برای جامعه ایران، گزارش کرده‌اند. در ابعاد مشارکت سیاسی و کنش جمعی نمادین سیاسی، تنها مورد مثبت ناظر به آمار مشارکت‌های انتخاباتی و شرکت در مناسک اجتماعی مذهبی - سیاسی خاص مانند نماز جمعه، ایام اربعین و سالروز پیروزی انقلاب اسلامی است (پیمایش هویت جمعی ایرانیان، ۱۳۹۵: ۱۷۸ - ۱۷۷). هرچند به گواهی یافته‌های آماری طی سال‌های اخیر، این سبک از مشارکت‌ها نیز روندی کاهشی گرفته است. این در حالی است که از وجود شبکه‌های افقی و عمودی گسترده و پایدار متشکل از گروه‌های مردمی و مشارکت‌های سیاسی مستمر داده مثبتی در دست نیست (پیمایش هویت جمعی ایرانیان، ۱۳۹۵: ۱۴۰ - ۱۳۶؛ پیمایش ارزش‌ها و نگرش‌های ایرانیان، ۱۳۹۴: ۳۱۵؛ خانیکی، ۱۳۹۵: ۷۵۵-۷۵۹؛ فرهادی و باقری، ۱۳۹۵: ۱۷۰).

در رابطه با بعد شناختی سرمایه سیاسی در ایران، به غیر از وضعیت نزولی در متغیر اعتماد و امید سیاسی (برحسب مدل بریتزر (۲۰۰۲) در سطوح گوناگون مقامات اعم از انتخابی و انتصابی، در سطح نهادها و سازمان‌های سیاسی و نهایتاً در سطح دولت و نظام سیاسی) (فولادیان، ۱۳۹۵: ۱۴۴)؛ در سایر متغیرها شرایط اندکی بهتر است؛ به طوری که یافته‌های مطالعات، به خصوص پیمایش‌های ملی، نشان می‌دهند که در سطح شهروندان و اجتماع سیاسی در مؤلفه‌ی هویت‌های ملی و مذهبی، ارزش‌ها و هنجارهای ملی، ارزش‌های دموکراتیک و مولفه آگاهی سیاسی وضعیت مثبت‌تر و حتی طی دو تا سه دهه‌ی اخیر صعودی بوده است. این امر به خصوص در اقشار تحصیل کرده، دانشجویان و نسل‌های جوانتر در مؤلفه‌های آگاهی سیاسی و ارزش‌های دموکراتیک به طور نسبی از سرمایه سیاسی مطلوبی برخوردار بوده‌اند (آزادی، ۱۳۹۱؛ پیمایش ارزش‌ها و نگرش‌های ایرانیان، ۱۳۹۴: ۴۸۸؛ پیمایش هویت جمعی ایرانیان، ۱۳۹۵: ۱۰۴-۸۰؛ حاجیانی و محمدزاده، ۱۳۹۵: ۷۰۶-۷۱۲).

از سویی یافته‌های پژوهش‌های مشارکت سیاسی نشان می‌دهند که آگاهی سیاسی بیشتر، به طور متناسب به افزایش مشارکت دموکراتیک منتهی نشده است. به نظر می‌رسد دلیل این امر برخی دیگر از متغیرهای بازدارنده کنش دموکراتیک شهروندان باشد که خود مستلزم انجام پژوهش‌های بیشتر است. اما با استناد به یافته‌های موجود؛ عواملی همچون تفاوت ماهوی نظام سیاسی کشور با نظام‌های دموکراتیک غربی، پایین بودن قدرت اقتصادی، سطح درآمد و رفاه افراد در جابه‌جایی اولویت‌های معیشتی با مشارکت دموکراتیک آنها، تاثیر بسزایی دارند (پیمایش وضعیت اجتماعی، فرهنگی و اخلاقی جامعه ایران، ۱۳۹۵: ۵۲؛ پیمایش ارزش‌ها و نگرش‌های ایرانیان، ۱۳۹۴: ۴۵۹ و ۶۱۳؛ مهدی‌زاده، ۱۳۹۷: ۴۵). رویکرد فرهنگی نیز به دو عامل کاهنده مشارکت شامل خصلت‌های تاریخی مانند اقتدارگرایی، تحکم‌پذیری، حساسیت شدید به بیگانگان و دیگری ستیزی (جوادی یگانه، ۱۳۹۵: ۳۳۰-۳۳۳) و پنداشت ذهنی منفی شهروندان نسبت به فعالان، احزاب، نهادها و مسئولین سیاسی کشور و در نتیجه عدم تمایل به فعالیت و مشارکت سیاسی (میرسندسی، ۱۳۹۵: ۳۸۰-۳۹۳)، ارجاع می‌دهد. همچنین طبق یافته‌های متعدد مانند پژوهش شیبانی و صدیقی (۱۳۹۵) و پیمایش ملی سرمایه اجتماعی مردم ایران (۱۳۹۳)، به طور کلی پایین بودن سطح سرمایه اجتماعی در میان شهروندان ایرانی، خود از جمله مهمترین عوامل در کاهش میزان حس مسئولیت‌پذیری، کاهش مشارکت سیاسی و در نهایت کاهش سطح سرمایه سیاسی در جامعه‌ی ایران است.

روند نزولی مؤلفه‌های مختلف سرمایه سیاسی در دولت‌های مختلف بعد از انقلاب، علاوه بر عوامل تاثیرگذار مشترک، هر یک متکی به دلایل و عوامل تاثیرگذار خاص خود است. با توجه به یافته‌های حاصل از پیمایش ارزش‌ها و نگرش‌های ایرانیان (۱۳۹۴)، پیمایش هویت جمعی ایرانیان (۱۳۹۵) و پژوهش مهدی‌زاده (۱۳۹۷) مهمترین عوامل تاثیرگذار در کاهش سطح سرمایه سیاسی و به خصوص اعتماد سیاسی، عوامل اقتصادی و عدم پاسخ مطلوب به خواسته‌های معیشتی اقشار مختلف مردم می باشد. به علاوه در نتیجه پایین بودن میزان شفافیت و وجود خلأهای نظارتی و قانونی، مردم طی سال‌های اخیر شاهد وقوع فزاینده انواع تخلفات و فسادهای اقتصادی و مالی در نظام اقتصادی و اداری کشور بوده اند. همچنین تاثیر تحریم‌های سیاسی - اقتصادی بر کاهش نرخ رشد اقتصادی و تولید ناخالص ملی سالانه کشور و در نتیجه تحمیل فشار مضاعف بر مردم بویژه اقشار فقیر و متوسط و مآلاً افزایش نارضایتی عمومی و تشکیک در درستکاری و کارآمدی صاحب منصبان، نهادها و حتی نظام سیاسی کشور و تنزل اعتماد عمومی و سیاسی مردم را نباید از نظر دور داشت. (مهدی‌زاده، ۱۳۹۷: ۸۶-۶۵).

عوامل اجتماعی، سیاسی و فرهنگی موثر در نارضایتی عمومی نیز نباید از مظان توجه دور بماند مانند برخی مدودیت‌ها در زمینه آزادی‌های اجتماعی، نابرابری و بی عدالتی (قانونی، شغلی، قضائی و...) و نقض یا ضعف در تحقق حقوق اولیه شهروندان. (پیمایش سنجش اجتماعی مردم ایران، ۱۳۹۳: ۱۲۴؛ پیمایش هویت جمعی ایرانیان، ۱۳۹۵: ۱۶۱ - ۱۵۵؛ پیمایش وضعیت اجتماعی، فرهنگی و اخلاقی جامعه ایران، ۱۳۹۵: ۳۸). بنابر یافته‌های شهابی (۱۳۹۵) از دیگر عوامل دخیل، وجود شبکه‌های سستی جناحی قدرت با ساختاری بسته، ایدئولوژیک و غیرمنعطف و منافع انحصاری است که در برابر تشکیل و گسترش شبکه‌های مدنی واقعی و کارآمد و مداخله اقشار و گروه‌های دارای ایده‌های مختلف در فرآیند قدرت، ممانعت می‌کنند. همچنین طبق یافته‌های رضایی (۱۳۹۵) تدوین دقیق و ایمن قوانین و سیاست‌ها و پرهیز از تفاسیر چندگانه و نظارت بر اجرای صحیح آنها نیز از جمله عوامل موثر در ارتقاء سطح اعتماد عمومی و سرمایه سیاسی محسوب می‌شود. اما از میان این عوامل تاثیرگذار، تاثیرات دوجبهی برخی از عوامل نوپدید نیز انکارپذیر نیست مثل تاثیرات فرهنگی - سیاسی عوامل تکنولوژیک بویژه گسترش شتابنده اینترنت و شبکه‌های اجتماعی مجازی، که به رغم تاثیرات مثبت فراوان در مؤلفه‌های آگاهی و دانش سیاسی، ارزش‌های دموکراتیک، انگیزه بخشی برای مشارکت سیاسی و افزایش و گسترش گروه‌ها و شبکه‌های مجازی، کارکردهای مخرب آن بر سرمایه سیاسی آن نیز اجتناب ناپذیر است (اشتریان و امیرزاده، ۱۳۹۴: ۸۳۸؛ صالحی، ۱۳۹۲: ۲۶۱).

گذشته از آن، یافته‌های پژوهش‌های میرسندهی (۱۳۹۵) و رضایی (۱۳۹۵) به شکل‌گیری نوعی ذهنیت منفی مزمن (بی اعتمادی و بدبینی بیش از حد و فراتر از واقعیت‌های موجود) ناشی از برخی آفت‌ها و رذیلت‌های فرهنگی - تاریخی ایرانی (مانند روحیه غیریت‌پنداری، روحیه عدم مشارکت برون‌خویشاوندی، کارنامه‌ی استبدادی و تحت استعماری سلسله‌های حکومتی قاجار و پهلوی) همچنین خاطره ذهنی منفی بجای‌مانده از ناکارآمدی‌های برخی دولت‌های مختلف بعد از انقلاب و بعلاوه آثار سوء تبلیغات منفی معاندین و دشمنان نظام در فضای مجازی؛ در میان عامه‌ی شهروندان ایرانی، بخصوص نسبت به گروه‌ها، احزاب، نهادها و مسئولان سیاسی کشور، اشاره داشته‌اند.

نتیجه‌گیری

نیک پیداست امروزه سرمایه سیاسی به مثابه منبعی با ارزش مورد توجه قرار گرفته است که حاصل آن برای شهروندان مردم‌سالاری و برای نظام سیاسی مشروعیت است. با عنایت به این مهم شناخت ماهیت، ابعاد، میزان، روند و علل نوسان آن توأمان برای سیاست پژوهان و سیاست ورزان بسیار ضروری به نظر می‌رسد. در همین راستا طی دهه‌ی اخیر در مقیاس جهانی، حجم مناسبی از ادبیات در این ارتباط تولید و عرضه شده است. این درحالی است که در ایران به رغم انتشار اندک پژوهش‌های تخصصی و مستقیم در مورد سرمایه سیاسی، تحقیقات غیرمستقیم و گسترده به نسبت متنوع و فراوانی در هر یک از مؤلفه‌های این مفهوم به ویژه در دهه‌ی اخیر، صورت پذیرفته است. لذا مرور نظام‌مند این مطالعات را در قالب روش فراتحلیل ممکن و موجه ساخته است. در مطالعه‌ی حاضر به منظور تحلیل یافته‌های ادبیات، از مجموعه‌ای از نظریات از جمله نظریه‌های سرمایه سیاسی پیر بوردیو، بوت و ریچارد و برای گزینش نمونه آماری از میان جامعه آماری، از روش نمونه‌گیری چند مرحله‌ای خوشه‌ای و در مجموع تعداد ۸۴ مطالعه از چهار خاستگاه شامل پیمایش‌های ملی، مقالات حاصل از طرح‌های پژوهشی ملی، مقالات علمی - پژوهشی و پایان‌نامه‌های مقاطع ارشد و دکترا، استفاده شد.

یافته‌ها مبین تعداد و تنوع بالای ادبیات حوزه سرمایه سیاسی در ایران است. با این توضیح که مشاهدات اولیه، تعداد اندک مطالعات تخصصی (۶مطالعه) حوزه "سرمایه سیاسی" را می‌نمایاند، اما مذاقه بیشتر نشان می‌دهد که سرمایه سیاسی به کرات، ذیل مفاهیم هم‌پوشانی مانند سرمایه اجتماعی، مردم‌سالاری، فرهنگ سیاسی و حکمرانی مطلوب و یا مبتنی بر مطالعه‌ی یکی از مؤلفه‌های آن مانند آگاهی، هنجار، اعتماد، کنش متقابل نمادین، مشارکت و شبکه‌های سیاسی، پیش از این مطالعه شده است. لذا تنها کاستی کمی ادبیات داخلی، در پرداختن مستقیم به حوزه سرمایه سیاسی است. به لحاظ نظری مطالعات این حوزه بر طبق سنت مسبوق، بیشتر مبتنی بر نظریات اصحاب سرمایه اجتماعی، مفهوم‌پردازی شده است. به لحاظ روشی نیز غیر از مطالعات در سطح ملی، در سایر پژوهش‌ها، بیشتر روش‌های کیفی (در حدود ۷۰درصد مطالعات) و به لحاظ رویکردی، بیشتر رویکرد نهادی، مبنای مطالعه واقع شده است. همچنین به لحاظ توجه به اقشار مختلف اجتماعی، به اقشاری همچون جوانان، نخبگان و زنان بسیار کم پرداخته شده است.

یافته‌های حاصل از پژوهش‌های مختلف، در تشریح وضعیت سرمایه سیاسی در سطوح مختلف جامعه ایرانی (از شهروندان و کنشگران سیاسی، سازمان‌ها و نهادها تا دولت و نظام سیاسی) سطح پایینی را برای این سرمایه نشان می‌دهد. البته در ابعاد ذهنی و در مؤلفه‌های گسترش ارزش‌ها و آگاهی‌های دموکراتیک و هویت ملی، آمارها در ارتباط با جوانان، دانشجویان و تحصیل کردگان، به نسبت بهتر است که این برتری خود بسیار متأثر از فناوری‌های ارتباطی، گسترش اینترنت و شبکه‌های اجتماعی مجازی بوده است. شایان به گفتن است که به طور متناقص، متناسب با میزان رشد ارزش‌ها و آگاهی‌های دموکراتیک، افزایشی در حجم مشارکت و شبکه‌های سیاسی رخ نداده است. به علاوه وضعیت اعتماد سیاسی نیز بر مبنای سطوح تحلیل سه‌گانه‌ی بریتزر، بسیار نامطلوب گزارش شده، که عامل کلیدی در این نقصان، بیشتر ناشی از تنگناهای اقتصادی و معیشتی متأثر از اوضاع سیاسی داخلی و خارجی کشور (از جمله در نتیجه‌ی افت شدید شاخص‌های اقتصادی و تشدید تحریم‌های بین‌المللی) ارزیابی می‌شود.

در ابعاد عینی و از نظر مشارکت سیاسی، به غیر از برآورد به نسبت مناسبی از وضعیت مطلوب در عرصه‌های انتخاباتی، راهپیمایی‌ها و مناسک ملی و مذهبی؛ در سطح عضویت و فعالیت داوطلبانه در گروه‌ها و شبکه‌های سیاسی از نظر کمی

(حجم، پیچیدگی، تعداد گروه‌ها و تشکلهای آنها) و کیفی (درجه‌ی استقلال، آزادی و تاثیرگذاری سیاسی) وضعیت مطلوب ارزیابی نشده است. درنهایت با توجه به برآیند یافته‌ها، مبنی بر سطح پایین و روند نزولی سرمایه سیاسی در سطوح مختلف جامعه، به‌ویژه در سطح دولت و نظام سیاسی؛ و نظر به کارکردهای سرمایه سیاسی در تقویت مردم‌سالاری، توسعه‌ی سیاسی و افزایش سطح ثبات و مشروعیت نظام سیاسی، ضرورت تدبیر و سیاست‌ورزی به منظور تقویت سطح این سرمایه در جامعه، بیش از هر زمان دیگری احساس می‌شود. همچنین لزوم اجرای مطالعات دوره‌ای و طولی سرمایه سیاسی در سطح ملی، پیشنهاد می‌شود.

یادداشت‌ها

1. Political Capital
2. Bourdieu, Pierre
3. Booth & Richard
4. Symbolic language and power
5. Political representation: Elements for a theory in the political sphere
6. Symbolic Capital
7. Social capital
8. R, Putnam
9. Edward C. Banfield
10. Political influence
11. Impressive stocke
12. Flora
13. Lee, A
14. Subjective (Cognitive) dimensions
15. Objective (Structural or Networking) dimensions
16. Individual, Organizational and Social
17. Political awareness and knowledge, political values and norms, political trust, political participation, symbolic political interaction and political networks.
18. Blumentritt & Rehbein
19. Meta-Analysis
20. Gene Glass
21. Dicaster
22. Johnson., W. D
23. Sandloowski and Barroso

^{۲۴}. برای دسترسی کامل به آدرس رجوع همه‌ی منابع نمونه‌ی آماری و فرم کددهی مبنای گزینش آنها، به قسمت پیوست‌های پایان‌نامه‌ی جودکی (۱۳۹۸)، قابل دسترس در پایگاه ایرانداک مراجعه شود.

کتاب‌نامه^{۲۷}

الف: منابع و مآخذ داخلی

اشتریان، کیومرث و امیرزاده، محمد رضا (۱۳۹۴). بررسی تأثیرات شبکه‌های اجتماعی مجازی بر مشارکت سیاسی (مطالعه موردی: شهر تهران). *سیاست*، ۴۵ (۴)، صص ۸۲۵ تا ۸۴۲.

بالوایه، مهدی (۱۳۹۷). *رنج‌های تاریخی به مثابه سرمایه سیاسی: مقایسه دو اقلیت کرد و یهود*. پایان‌نامه مقطع کارشناسی ارشد. گروه علوم سیاسی، دانشگاه خوارزمی.

پاتنام، رابرت (۱۳۸۰). *دموکراسی و سنتهای مدنی*، ترجمه محمد تقی دلفروز، تهران: دفتر مطالعات و تحقیقات سیاسی کشور.

پیران‌نژاد، علی و عبادی، نغمه (۱۳۹۱). سرمایه سیاسی و اینترنت: بررسی سطح سرمایه سیاسی و تاثیر استفاده از اینترنت بر ابعاد آن. *فصلنامه علوم مدیریت ایران*، ۷ (۲۸)، ۲۶ - ۱.

تاجبخش، کیان (۱۳۸۵). *شکل‌های سرمایه؛ اعتماد، دموکراسی و توسعه*. ترجمه: افشین خاکباز و حسن پویان، تهران، نشر شیرازه.

جوادی یگانه، محمدرضا (۱۳۹۴). *پیمایش ملی «ارزش‌ها و نگرش‌های ایرانیان» موج سوم*. تهران. دفتر طرح‌های ملی، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.

جوادی یگانه، محمدرضا (۱۳۹۵). *خلقیات منفی ایرانیان؛ خصلت ملی یا وضعیت اجتماعی*. *مجموعه مقالات گزارش وضعیت اجتماعی کشور*، جلد دوم، شورای اجتماعی کشور، صص ۳۲۲ - ۲۶۱.

جوادی یگانه، محمدرضا و غفاری، محمد (۱۳۹۵). *پیمایش ملی «وضعیت اجتماعی، فرهنگی و اخلاقی جامعه ایران»*. تهران. دفتر طرح‌های ملی، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.

حاجیانی، ابراهیم و محمدرضا، حمیدرضا (۱۳۹۵). *وضعیت هویت ملی، دینی و قومی*. *مجموعه مقالات گزارش وضعیت اجتماعی کشور*، جلد اول، شورای اجتماعی کشور، صص ۶۵۳ - ۷۱۶.

خانیکی، هادی (۱۳۹۵). *ضعف جامعه مدنی و تشکل‌های مردم نهاد تحول تاریخی، مسائل کنونی و چشم اندازی برای آینده*. *مجموعه مقالات گزارش وضعیت اجتماعی کشور*، جلد اول. شورای اجتماعی کشور، صص ۷۱۷ - ۷۶۴.

رضایی، محمد (۱۳۹۵). *بی‌انضباتی و قانون‌گریزی*. *مجموعه مقالات گزارش وضعیت اجتماعی کشور*، جلد اول، شورای اجتماعی کشور، وزارت کشور، صص ۴۳۷ - ۴۹۲.

شهابی، محمود (۱۳۹۵). *علل و آثار فساد سیاسی و اداری از توصیف و تبیین وضع موجود تا ترسیم وضع مطلوب*. *مجموعه مقالات گزارش وضعیت اجتماعی کشور*، جلد اول، شورای اجتماعی کشور، صص ۵۲۸ - ۴۹۳.

شیانی، ملیحه و صدیقی، فاطمه (۱۳۹۵). *ضعف مسئولیت‌پذیری شهروندی*. *مجموعه مقالات گزارش وضعیت اجتماعی کشور*، جلد اول، شورای اجتماعی کشور، صص ۵۷۶ - ۵۲۹.

- صالحی، مهدیه (۱۳۹۲). بررسی رابطه استفاده از شبکه های اجتماعی مجازی با اعتماد سیاسی در بین جوانان شهر زنجان. پایان‌نامه مقطع کارشناسی ارشد. گروه علوم اجتماعی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه شاهد.
- عبادی، نغمه، قلی‌پور، آرین و پیران‌نژاد، علی (۱۳۹۱). شناسایی عوامل اثرگذار بر سرمایه سیاسی، رساله مقطع دکتری، گروه مدیریت، دانشگاه تهران.
- غفاری، غلام رضا (۱۳۹۳). پیمایش ملی «سرمایه اجتماعی مردم ایران» موج دوم. تهران. دفتر طرح‌های ملی، دفتر طرح‌های ملی، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- فرهادی، مرتضی و باقری، یاسر (۱۳۹۵). همکاری و مشارکت. مجموعه مقالات گزارش وضعیت اجتماعی کشور. شورای اجتماعی کشور. صص ۱۶۷ - ۲۰۹.
- فولادیان، مجید (۱۳۹۵). تغییرات اعتماد سیاسی در ایران سال های ۱۳۸۴ - ۱۳۹۳. مجموعه مقالات جستارهایی در سرمایه اجتماعی در ایران. نشر شورای اجتماعی کشور، صص ۱۳۵ - ۱۴۸.
- قاضی طباطبائی، محمود و ودادهیر، ابوعلی (۱۳۸۹). فراتحلیل در پژوهش‌های اجتماعی و رفتاری. معاونت امور فرهنگی اداره کل مطالعات اجتماعی و فرهنگی، تهران، نشر جامعه شناسان.
- مرادی، سالار، کواکبان، مصطفی، فلاحت پیشه، حشمت الله (۱۳۹۶). فراتحلیل مطالعات اعتماد سیاسی در ایران پس از انقلاب اسلامی. پژوهش‌نامه انقلاب اسلامی، ۷ (۲۴)، ۱۰۵-۱۳۳.
- موسسه مطالعات ملی (۱۳۹۵). پیمایش ملی «هویت جمعی ایرانیان: یافته‌های پیمایش در کل کشور». تهران. موسسه مطالعات ملی. انتشارات تمدن ایرانی.
- مهدی زاده، فاطمه (۱۳۹۷). عوامل موثر بر وضعیت سرمایه سیاسی در ایران. پایان‌نامه مقطع کارشناسی ارشد، گروه علوم سیاسی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه مازندران.
- میرسندسی، سید محمد (۱۳۹۵). تحلیل نابرابری‌های ذهنی (احساس بی‌عدالتی). مجموعه مقالات گزارش وضعیت اجتماعی کشور، جلد سوم، شورای اجتماعی کشور. صص ۳۷۷ - ۴۰۸.
- میری‌کمک، آزاده (۱۳۹۶). سرمایه سیاسی در حوزه نهادهای خاص جمهوری اسلامی ایران و چالش‌های آن. پایان‌نامه مقطع کارشناسی ارشد، پژوهشکده امام خمینی (ره) و انقلاب اسلامی.
- نادری، احمد (۱۳۹۶). فراتحلیل مشارکت سیاسی دانشجویان ایرانی: مطالعه اثربخشی عوامل تبیین‌کننده، عینی، ذهنی، انگیزشی - ذهنی، فرهنگی - اجتماعی و نهاد. مطالعات جامعه‌شناختی (نامه علوم اجتماعی)، ۲۴(۱)، ۲۵۹-۲۹۰.

ب: منابع و مأخذ انگلیسی

Birner, R., & Wittmer, H. (2000). Converting social capital into political capital, In *Eighth Biennial Conference. 2000 / 5*.

Blumentritt, T., & Rehbein, K. (2008). The Political capital of foreign subsidiaries: An exploratory model. *Business & Society*, Vol 47. No 2. Pages 242-263.

Booth, J. A., & Richard, P. B. (1998). Civil Society, Political Capital, and Democratization in Central America. *The Journal of Politics*, University of Chicago Press on behalf of the Southern Political Science Association, Vol. 60, No. 3 pp. Pages 780-800.

Booth, J. A., & Richard, P. B. (2007). *Social and Political Capital in Latin American democracies. Prepared for presentation at the Symposium on the Prospects for Democracy in Latin America*, University of North Texas, April 5-6.

Booth, J. A., & Richard, P. B. (2008). Violence & Democratic Political Capital in Latin America and the Caribbean. Prepared for presentation at the *International Studies Association meeting*, San Francisco. March 29.

Booth, J., & Richard, P. (2007, April). *Social and political capital in Latin American democracies, In Annual meeting of the Midwest Political Science Association*, Palmer House Hotel, Chicago, IL.

Bourdieu, P. (1981). Political representation. *Social Science Research Proceedings*, 36 (1), 3-24. Bretzer, Noreen, (2002), *How Can Institutions Better Explain Political Trust than Capitals Do*, PHD Thesis, University of Gothenburg, Sweden.

Bourdieu, P. (1983). Youth is just a word. *Sociology issues* "Extracted from: Bourdieu, Pierre, 112-121.

Bourdieu, P. (1991). *Language and Symbolic Power*. Gino Rymond and Matthew Adamson; First Published; Cambridge: Polity Press.

Bretzer, Y. N. (2004), *How Can Institutions Better Explain Political Trust than Social Capital Does, XI Nordic Conference on Municipal Research*, University of Gothenburg, Sweden.

Coleman, J. S. (1988). Social capital in the creation of human capital. *American journal of sociology*, The University of Chicago Press, 94: Pages 95-120.

Grootaert, C., & van Bastlaer, T. (2002). *Understand and Measuring SocialCapital*. Washington DC, World Bank.

Harvey, M., & Novicevic, M. (2004). The development of political skill and political capital by global leaders through global assignments. *The International Journal of Human Resource Management*, Vol 15 .No (7): Pages 1173-1188.

Johnson., W. D, Johnson .T. R & Stanne .B. M (2000). *Analysis-Meta A: Methods Learning Cooperative*. [http:// www.tablelearning.com /uploads/File/B-EXHIBIT.pdf](http://www.tablelearning.com/uploads/File/B-EXHIBIT.pdf).

Kjaer, Ulrik. (2013) Local Political Leadership: The Art of Circulating Political Capital, *Local Government Studies*, 39. 2. 253-272.

Lee, A. (2005). Invest or spend? Political capital and statements of administration policy in the first term of the George W. Bush presidency. Georgia political science association, conference proceedings.

Magano, C (2000). *Gender & democracy: exploring the growth of political capital in womans NGO in Israel*. Phd Thesis, university of Columbia.

Nayden, N. (2011). *Political capital conceptualization: reclaiming the heart of democracy*. Sofia University, <http://scholar.google.com/scholar?q=Nayden%2C+Nikolay.+>

Newton, K. (2001). Trust, social capital, civil society, and democracy. *International Political Science Review*, 22(2): 201-214.

Paxton, P. (2002). Social capital and democracy: An interdependent relationship. *American sociological review*, 254-277.

Putnam, R. D. (1995), Bowling Alone: Americans Declining Social Capital , *Journal of Democracy*, Vol.6, No.1: 65- 78.

Putnam, R.D. (1993). *Making Democracy work. Civic traditions in modern Italy*, NJ: Princeton University Press, *Princeton*.

Sandelowski, M., & Barroso, J. (2006). *Handbook for synthesizing qualitative research*. springer publishing company.

Schugurnesky, D. (2000). *Citizenship learning and democratic engagement: Political capital revisited*, *Adult Edeucation Research Confrance*, Vancouver.

SHaffer, B., & Hillman, A. J. (2000). The development of businessgovernment strategies by diversified firms. *Strategic Management Journal*, 21, 175-190.

Sorensen, E., & Torfing, J. (2003). Network politics, political capital, and democracy. *International journal of public administration*, 26(6): 609-634.

Uphoff, N. (2000). Understanding social capital: learning from the analysis and experience of participation. *Social capital: A multifaceted perspective*, 215-249, Washington, DC: World Bank.